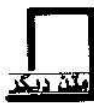


فستأجر عمارت وایلدفل

انتر آکس بروتم

ترجمه : فریم مادقم



سرشناسه : دوما، الکساندر، ۱۸۰۲ - ۱۸۷۰ م.

Dumas, Alexandre

عنوان و نام پدیدآور : کیوتر عشق / اثر الکساندر دوما؛ ترجمه مرجان صادقی.

مشخصات نشر : تهران: متن دیگرا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۴۴۸ص.

شایک: ۱۶۰۰۰ ریال ۱-۹-۹۶۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی : فیا

بادداشت : عنوان اصلی: Bird love

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ قبلی : اردیبهشت، ۱۳۹۳.

موضوع : داستان‌های فرانسه — قرن ۱۹م.

French fiction -- 19th century : موضوع

شناسه افزوده: صادق، مرجان، ۱۳۶۹، مترجم

ردہ بندی کنندہ: PQ2254/ک21395

ردہ بندی دیو ہے : ۸۴۳/۸

شماره کتابشناسی، علم : ۴۵۰۷۱۰۸



انسان کے متن دیگ

آدرس : تهران، میدان انقلاب، پلاک ۴۲، فروردین، پ ۳۱۶، طبقه اول

تلفن : ۶۶۱۷۵۱۶۶-۶۶۱۱۵۱

عنوان کتاب : مستأجر عمارت

نویسنده : آن برونفہ

مترجم: مریم صادقی

ویراستار: مرضیہ السادات حسینی آذر

قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان

تیراڑ : ۱۰۰۰ جلد

شایک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۶۸-۶-۰

((کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است))

آن برونته، سندرلای ادبی

در میان نوشته‌های برونته «مستأجر عمارت ویلدفیل» مرتبط‌ترین نوشته با زندگی نویسنده است. در واقع می‌توان این نوشته پر جذبه را که ماجراهای فراوان و هیجان‌بخش آن را دارد به زندگی نامه نویسنده تعبیر کرد.

آن برونته، با جدیت تمام و صراحت کافی به عدم توفیقش در شناخت مرد یا به عبارتی اشتباهش در شناخت عشق اعتراف می‌کند اما از پانمی‌نشیند و این اشتباه را به قیمت تحمل مرارت‌های بسیار، نوعی به سامانی درخور می‌رساند.

برونته این کتاب را طی سال‌های ۱۸۴۶ - ۱۸۴۸ نوشت. در تابستان ۱۸۴۷ برای نخستین بار چاپ شد. درباره این کتاب می‌توان گفت که اولین اعلامیه اعتراض آمیز زنان انگلیس علیه ازدواج‌های سبک با پروونه است که در این نوع ازدواج کمتر موفقیتی برای زن تصور می‌رفت.

شخصیت اول داستان هلن هاتینگدون ربی - خانه دین، مقید به اصول اخلاقی و زندگی خانوادگی است که درگیر مردی نالایق، نامناسب، شرور، ستمگر و عیاش می‌شود. شوهر هلن نه تنها با زندگی همسرش که با زندگی تنها همسرش نیز به بازی خودخواهانه - آن چه من می‌خواهم درست است و باید بشود، دست می‌زند. شوهر هلن، نمودی راستین از مرد مرفه آن روزگار انگلستان است که هیچ شانس برای زن به عنوان موجود مستقل باقی نمی‌گذارد.

آن برونته با این اثر که بی‌گمان شایسته‌ترین اثر اوست، نه تنها آیین و قراردادهای اجتماعی را دچار تزلزل کرد بلکه قوانین جاری کشورش را نیز به باد تمسخر گرفت. سینکлер، یکی از منتقدان انگلیسی در سال ۱۹۱۳ درباره این کتاب نوشت: «... بی‌تردید هلن با بستن در اتاق خواب به روی شوهرش جسارت زیادی به خرج داده و

قطعاً سر و صدای زیادی در انگلستان آن روز، برانگیخته است...»
مستأجر عمارت ویلد فیل با سرعت تمام به اوج موفقیت رسید و در همان سال تجدید چاپ شد.

از قول سینکлер باز هم می‌خوانیم که: «... منتقدان آن روزگار وقتی نتوانستند ارزش‌های ادبی و هنری این اثر را زیر سؤال ببرند از دریچه دفاع از موفقیت مرد و شرارت‌های درونی یک زن که با شوهرش برخورد قهرآمیز می‌کند وارد شدند و بر او تاختند که گریز از مردی فاسد به مفهوم پاک بودن زن نیست. آن‌ها به صراحت گفتند که عده ممکن‌ه‌لن در برابر شوهرش به مفهوم مقابله با نیاز فیزیکی شوهر نیست بلکه یک هرزگی درونی بران است که می‌خواهد آن را با رفتار ناشایست شوهر توجیه کند...»
آن برونته در مقابل چنین حملاتی دفاع سرسختانه‌ای از خود کرد و با گنجاندن این دفاعیه در مقدمه چاپ مجدد کتاب از خوانندگان آثارش خواست که متصفانه درباره اتهامات وارد شده به او قضاوت کنند.

نقل پاره‌ای از آن مقدمه پریاسیت:

«کتابی را می‌پسندم که بی‌کم و کاست حق را بیان کند و به محکوم کردن زشتی‌های اجتماعی برخیزد. این بسیار ننگ آویز است. من می‌دانم که یک نویسنده زن فقط آن چیزی را بنویسد که مطابق میل مردان خرسنگدان است و از او توقع داشته باشند که برای خوشایند عیاشان و خودخواهان قلم بزند. از آن است که این که اگر به چنین خواسته‌ای تن ندهد به بدترین صورت ممکن او را مورد سرزنش قرار دهد...»

جالب این است که کتاب مستأجر عمارت ویلد فیل با تمام موفقیتی که به دست آورد جز اندوه چیزی برای نویسنده‌اش به ارمغان نیاورد...

ناشر کتاب با تمام سودی که از بابت چاپ این کتاب به دست آورد در مقابل این کتاب و یک کتاب دیگر، فقط بیست و پنج لیره به نویسنده آن پرداخت کرد. البته بعد از مرگ نویسنده خواهرش شارلوت برونته از طریق ناشر کتاب‌های خودش موضوع را پی‌گیری کرد و امتیاز چاپ‌های بعدی را از او گرفت. ناگفته نماند که این ناشر معامله مشابهی نیز با جرج الیوت کرده بود.

جرج اسمیت که یکی از نویسندگان صاحب نام آن روزگار انگلستان بود درباره آن برونته می‌نویسد: «... آن برونته، یک زن ثابت قدم و بی‌نهایت با جرأت بود که زندگی و

مرگ او گواه این مدعا است... او با دانشی کافی از واقعیت زندگی و آیین و پیمان‌های اجتماعی و مسائل زندگی در مدت چهار سال معلم سرخانه بودن در یک خانواده محترم، به این مهم دست یافته است...

آن برونه، اگرچه از لحاظ تعداد کار با خواهران دیگرش امیلی و شارلوت برونه در یک سطح قرار نمی‌گیرد ولی می‌توان به جرأت عنوان کرد که از پاره‌ای جهات «مالک عمارت ویلفیل» از آن‌ها پیشی گرفته است و چنان‌چه مرگ مجال می‌داد در عرصه رقابت خواهران برتری بی‌چون و چرا را به دست می‌آورد. او در سرودن شعر از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود.

در این باره از وینفرد گرین یکی از منتقدان معاصر می‌خوانیم: «... اشعار آن برونه به وضوح خیلی موثر از رمان خودش یعنی قرن هجدهم بود. در نوشته‌هایش از همان سبکی پیروی می‌کرد که رزان فریر، جان گلت و جورج مور از صاحب‌نامان آن بودند. نوشته‌های او ناب‌ترین جین است...»

به گفته جورج مور... تحت تأثیر نبوغ و ذکاوت برونه‌ها است که آن از شهرت کمتری برخوردار است و به همین خاطر من به او «سیندرلای ادبی» لقب می‌دهم. به گمان من ارزش کار آن برونه در این نوع به خوندگان فرصت قضاوت می‌دهد که ببینند چه اثر برجسته و ممتازی را که سرآمد تمام داستان‌ها در تاریخ داستان نویسی است به آن‌ها اهدا شده است...

نویسنده در مستأجر عمارت ویلفیل ویژگی سازگار را رقم می‌زند که هر کدام در فضایی خاص برای رسیدن به خواست‌های خود می‌کوشند. شخصیت اصلی یعنی هلن هاتینگدون راوی، بخش عظیمی از ماجرا است و در واقع بار تمام داستان را به دوش می‌کشد. او با اخلاقیات تأثیر پذیرفته از خانه عمه و شوهر عمه‌اش که در آن باسن رشد را پشت سر گذاشته، تشنه محبت پایه عرصه جستجو می‌گذارد. او قبل از آن‌که حسی واقعی را تجربه نکرده است. اولین آدم قابل اعتنایی که به او اظهار عشق می‌کند موفق به جلب نظرش می‌شود. دنیای تجربه‌های غنی‌تر دیگران باعث نمی‌شود که عیوب عاشقش را ببیند و فاجعه از همین لحظه آغاز می‌شود. با وصلت این زوج جوان و کامیابی جنسی دنیای غیر واقعی آن‌ها بدل به جهنم واقعیت تلخ می‌شود. مرد در قهقرای لذت جویی و می‌گساری غرق می‌شود و تمام محاسنی که قبل از آن برای دختر مطرح بود به

شراره‌های گناه و تیره‌بختی تبدیل می‌شود.

آیا باز هم باید تسلیم خواسته‌های ویران‌گر مرد شد؟ عقل سالم این را نمی‌پذیرد ولی باورداشت‌های مرد آفریده آن روزگار مقابله با ویران‌گری مرد را نیز نمی‌پذیرد. باید گریخت، اما به کجا؟ هر جا پیدایش کنند تیره‌روزی سنگین‌تر و عمیق‌تر می‌شود.

زن گریخته از خانه مورد تهمت کسانی که او را نمی‌شناسند قرار می‌گیرد. از سویی نظر جوان پاک‌نبی را که به شهر و فسادهای آن آلوده نیست جلب می‌کند. جوان صادقانه او را می‌خواهد و این بانوی به ظاهر سوگوار و شوی مرده نیز او را می‌خواهد اما چگونه... و بفهماند که درگیر قید ازدواجی دردآور است؟

تظاهر زن به این که زنی شوهر مرده است در واقع اعتقادی سمبولیک است چون از نظر هلن شهریاری این شرایط با این که نفس می‌کشد و مشروب و غذا می‌خورد ولی مرده است اما این مرد را عاف مردم نمی‌پذیرد، هم‌چنان که مقابله با چنین مرده‌ای را از سوی همسرش نمی‌پذیرد!

بهتر است در مورد مستاجر عمارت ویلدفیل بگوییم: «اعتراف صادقانه یک زن جسور است که با یاری گرفتن از فوت و تن هنر به صورت رمانی پر جاذبه درآمده است.»

شیوه پرداخت رمان اگرچه بدیع نیست ولی در میان رمان‌هایی که به طریق استفاده از خاطره نویسی نوشته شده‌اند مقام ممتازی را دارد.

ماجرای مستاجر عمارت ویلدفیل می‌تواند دو اجرای مجزا دانست که به دلیل داشتن یک شخصیت مشترک صورت رمانی واحد را یخه است.

یک بخش رمان به زندگی هلن هاتینگدون در دوران فرار از خانه و به نهایت سامان یافتن مربوط می‌شود و بخش دیگر آن وضعیت هلن است قبل از فرار و با مایه‌هایی که به فرار او منجر می‌شود.

شاید دآوری کردن درباره چنین اثری کار درستی نباشد چون بازگویی ویژگی‌های اثر، خواننده را از لذتی که باید با اکتشافات خودش به آن دست یابد محروم کند ولی بی‌اشاره‌گذشتن از آن‌ها هم بی‌انصافی است چون امکان دارد بی‌حوصلگی و تنگ شدن عرصه بر رمان‌های واقع‌گرا باعث بی‌خبر ماندن خوانندگان علاقه‌مند به چنین آثاری شود.